

ویژه نامهٔ خواص

ویژه نامه شماره ۸

میلاذ مادر هستی

اسرار لیلہ القدر (۲)

قرارگاه جهادی طلاب عدالتخواه

تفسیر باطنی سوره قدر :

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱) ها [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم (۱)

۱- این که امام صادق (علیه السلام) می فرماید شب قدر فاطمه است یعنی چه ؟

این مطلب را به تفصیل در جزوه اسرار ليله القدر ۱ توضیح دادیم

روح شب قدر، قرآن صامت است

و روح و قلب قرآن صامت، قرآن ناطق (معصومین (علیه السلام) هستند

و قلب معصومین (علیه السلام)، حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها) می باشد

در نتیجه : روح شب قدر، حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها) می باشد

و این است حقیقت و باطن و روح و روح شب قدر

۲- همانگونه که شب قدر ظرف نزول قرآن صامت است فاطمه (سلام الله علیها) نیز ظرف نزول یازده قرآن ناطق است اما فرق لطیفی که بین شب

قدر و صدیقه کبری (سلام الله علیها) هست این است که شب قدر تنها ظرف است نه مظروف اما زهرا (سلام الله علیها) هم ظرف است و هم

مظروف، هم ظرف نزول یازده قرآن ناطق است و هم خود قرآن ناطق است.

۳- همانگونه که از بین هزاران هزار شب ، فقط شب قدر است (که آنقدر پر ظرفیت است) که می تواند ظرف نزول قرآن واقع شود ؛ از بین

میلیونها میلیون انسان فقط حضرت فاطمه (سلام الله علیها) است که می تواند ظرف نزول یازده قرآن ناطق واقع شود .

۴- عظمت شب قدر به خاطر چیست؟ نزول قرآن صامت ؛ حال باید دانست عظمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) به چیست؟

۱- چه کنیم تا شب قدر را درک کنیم؟ درک شب قدر به چیست؟ عبادت؟ دعا؟ صدقه؟ صلۀ رحم؟ یا ...؟

اگر می خواهیم بدانیم که درک شب قدر به چیست باید ابتدا بدانیم ارزش شب قدر به چیست؟

ارزش شیشه عطر، به عطر؛ ارزش جسم به روح؛ ارزش پوسته به هسته؛ ارزش گردو به مغز و ارزش گوشی همراه به سیم کارتش می باشد؛ آری همانگونه که ارزش ظرف به مظروف و ارزش مکان به مکین است شب قدر نیز همچون ظرفی است که مظروفش قرآن است.

از آنجا که ارزش شب قدر به مظروف (قرآن) است نه ظرف؛ درک شب قدر هم نیز به درک مظروف (قرآن) است نه درک ظرف؛ ما در لیالی قدر، ظرف را درک می کنیم یا مظروف را؟ ظرف که فی نفسه ارزش ندارد بلی درک ظرف زمانی ارزش دارد که وسیله درک مظروف باشد نه هدف و آلا خودش می شود بت؛ احیای شب قدری که بدون فهم قرآن باشد نه تنها مفید نیست بلکه مضر هم هست چراکه فرد فکر می کند به مقصد رسیده است در حالی که هنوز در مبدأ مانده است.

پس درک شب قدر به چیست؟ به درک مظروف (قرآن)؛ کسی می تواند لیلۀ القدر را درک کند که قرآن را درک نماید اگر می خواهیم بدانیم چقدر شب قدر را درک کرده ایم باید بدانیم چقدر قرآن را درک کرده ایم؟

وقتی قرآن در شب نازل می شود آن شب قیمتی می شود و می شود لیلۀ القدر؛ حال اگر قرآن بر قلب انسان نازل شود آن قلب چقدر قیمت پیدا می کند؟ آری آن قلب می شود لیلۀ القدری که خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ است.

اما سوال اساسی این است که چه کنیم تا قرآن را درک کنیم؟

آیا صرف روخوانی و روانخوانی کافی است؟ ترجمه و تفسیر چطور؟

اینها همه درک ظاهر قرآن است نه باطن قرآن، آنها درکی ناقص، ما زمانی می توانیم قرآن را درک کنیم که روح و حقیقت قرآن را درک کرده باشیم؛ لذا باید ببینیم روح و حقیقت قرآن چیست؟

در جزوه شماره یک ثابت نمودیم که روح و حقیقت قرآن، معصومین (علیهم السلام) می باشند لذا درک شب قدر منوط به درک قرآن و درک قرآن نیز منوط به درک معصومین (علیه السلام) می باشد.

حال شاید رمز این حدیث شریف امام صادق (علیه السلام) را بفهمیم که فرمودند:

اللَّيْلَةُ فَاطِمَةٌ وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ قُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا

«لیله» فاطمه است و «قدر» الله است پس هر کس فاطمه را آنگونه که حق معرفت اوست بشناسد قطعاً شب قدر را درک کرده است و همانا فاطمه، فاطمه نامیده شده است برای آنکه مردم از شناخت عمیق ایشان عاجزند. (بحار ج ۳۳ ص ۶۵)

طبق فرمایش حضرت امام صادق (علیه السلام) هر که می خواهد حقیقت و باطن شب قدر را درک کند باید حقیقت فاطمه (سلام الله علیها) را درک کند و هر که فاطمه (سلام الله علیها) را آنگونه که حق معرفت اوست بشناسد قطعاً شب قدر را درک کرده است لذا مفهوم مخالف این جمله این می شود که هر که فاطمه را آنگونه که حق معرفت اوست نشناسد قطعاً شب قدر را درک نکرده است و لو اینکه تا به صبح، شب نخوابی بکشد و اشک بریزد

چراکه اشک با شک و شرک پیشیزی ارزش ندارد، همانگونه که آب گل آلود ارزشی نداشته زیرا آب گل آلود آب مضافی است که نه مطهر است و نه مطهر؛ اشکی قیمتی است که با معرفت کامل باشد زیرا چنین اشکی همچون آب زلال چشمه هم مطهر است و هم مطهر! در نتیجه؛

کسی که شب قدر را نخوابد در حالی که فاطمه (سلام الله علیها) را نشناخته باشد شب قدر را درک نکرده است اما کسی که شب قدر را از شب تا به صبح بخوابد در حالی که فاطمه (سلام الله علیها) را شناخته باشد شب قدر را درک کرده است.

لذا

درک شب قدر به اندازه معرفت زهرای اطهر (سلام الله علیها) میسر است .

شب قدر ، شب بیدار شدن است نه بیدار ماندن ؛ بیدار شویم تا بیدار بمانیم ؛ کسی که جسمش از شب تا به صبح عبادت نموده و بیدار مانده اما روحش خواب بوده و غافل ، شب قدر را درک نکرده اما کسی که جسمش از شب تا به صبح در خواب عمیق بوده و عبادت نکرده اما روحش بیدار بوده و بصیر ، شب قدر را درک کرده است . درک شب قدر به حرکات کمر و لب نیست به تفقه در دین است . سوال بسیار مهم و کلیدی که در اینجا مطرح می شود این است که چگونه و با چه متدی باید به فاطمه (سلام الله علیها) معرفت پیدا کنیم تا حق معرفت او را اداء نموده باشیم ؟ که به علت مبسوط بودن جواب آن را به فرصتی دیگر موکول می نمائیم .

۲- حال چه کنیم تا امام معصوم (علیه السلام) را درک کنیم ؟ درک امام (علیه السلام) به چیست ؟

به زیارت ؟ یا خواندن زیارت عاشورا و جامعه کبیره ؟ یا ... ؟

قرآن تجلی کتاب تدوینی خدا و انسان کامل معصوم ، تجلی کتاب تکوینی اوست همانطور که با نزول قرآن در ظرف زمانی معین ، آن ظرف معهود ، قدر یافته و شب قدر می شود با تجلی امام معصوم (علیه السلام) و تنزلش از مخزن غیب الهی در ظرف زمان معین ، آن ظرف شخصی (ظرف وجودی آن فرد) قدر پیدا می کند و شب قدر می شود (عصاره خلقت ؛ آیه الله جوادی آملی)

با تجلی قرآن صامت بر شب قدر ، آن شب می شود لیله لقدر ؛ حال با تجلی قرآن ناطق بر قلب مومن، آن قلب چگونه قلبی می شود ؟

ما چه کنیم تا مورد تجلی و تنزل امام معصوم (علیه السلام) قرار بگیریم ؟ چه کنیم تا ظرف وجودی ما مزین به مظروف قرآن ناطق شود ؟

از آنجا که ارزش ظرف به مظروف و ارزش مکان به مکین است ارزش قلب ما هم به مظروف آن است به میزانی که قلب ما ظرف نزول قرآن صامت (فرهنگ قرآن نه صرفا آهنگ قرآن) و قرآن ناطق (محبت و معرفت و ولایت اهل بیت (علیه السلام)) واقع می شود آن قلب قدر و منزلت پیدا می کند و قیمتی می شود و الا تکه گوشتی بیش نیست

اما کی مظروف را در ظرف می ریزند ؟ و به چه مقدار می ریزند ؟

زمانی مظروف در ظرف ریخته می شود که ؛

اولا : ظرف و مظروف با هم سنخیت داشته و متناسب با هم باشند آتش نذری را هیچ گاه در کف دست یا در جیب نمی ریزند چون جیب و کف دست سنخیت و تناسبی با آتش ندارد

ثانیا : آتش نذری را هیچ گاه در لیوان و استکان و بطری جانوشابه و ... نمی ریزند چراکه آتش زیاد است و ظرفهای مذکور کوچک

ثالثا : آتش نذری را در قابلمه کثیف و آلوده نمی ریزند بلکه باید ظرف مطهر باشد

رابعا : آتش نذری را در آفتابه نمی ریزند با اینکه نه کوچک است و نه آلوده و نجس ؛ اما مشتمل کننده است

خامسا : به فرض که ظرف تمیز و بزرگ و متناسب هم بیاوری ولی وقتی فرد نذر دهنده می داند تو قدر و ارزش آتش را نمی دانی و آن را نمی خوری و دور می ریزی یا می داند این آتش برای تو ضرر دارد و تو نمی توانی آن را هضم کنی دیگر به تو آتش نمی دهد

همین طور است لزوم سنخیت و تناسب ظرف و مظروف معنوی و ماوراء مادی ؛ قلبی که پر از آلودگی و گناه و کینه و نفرت و انتقام باشد چگونه می خواهد ظرف معرفت آل الله باشد ؟

جوش می آورد و از جرقه جریان می سازد و از گاه کوه می سازد چگونه می خواهد مهبط فاطمیون واقع شود؟ قلبی که خود مضاف شیطان است

چگونه می خواهد طواف کنندۀ ولی الله الاعظم باشد ؟

قلبی که کعبه او شکم و شهوت و شرارت و خشونت است چگونه می خواهد برگرد حقیقت لیلۀ القدر ؛ ولایت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) طواف نماید؟

آری قلبی ، ظرف نزول قرآن ناطق واقع می شود که با مظلوف قرآن ناطق سنخیت داشته باشد ، مطهّر و مطهّر باشد ، علی قدر عقول انبیاء باشد ، پر ظرفیت باشد « ان هذه القلوب اوعیة فخيرها اوعاها للخیر » شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم، ج ۲، ص: ۵۰۴

اگر کسی کل آب دریا را می خواهد باید ظرفی بیاورد به بزرگی دریا ، دریا بخیل نیست ظرف ما گنجایش آب دریا را ندارد ؛ به عبارت دیگر مشکل از فاعلیت فاعل نیست مشکل از قابلیت قابل است .

لذا زمانی معرفت حقیقت لیلۀ القدر ؛ حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بر قلب ما نازل می شود که این قلب با حقیقت لیلۀ القدر ؛ حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سنخیت پیدا کرده باشد و وقتی این قلب با حقیقت لیلۀ القدر سنخیت پیدا نماید خود شخص می شود لیلۀ القدر و دیگر لیلۀ القدر او در آن ظرف زمانی محدود نیست بلکه لحظه به لحظه عمر او لیلۀ القدر است و وقتی لیلۀ القدر شد می شود کوثر (خیر کثیر) ؛ کوثری که هر لحظه عمر او **كُثِرَ هُنَّ الْآلُفُ سُحُورًا** است چرا که او وصل به دریای کوثر فاطمی شده است و وقتی قطره متصل به دریا شود دیگر قطره نیست دریاست با همان برکات بسیار زیاد دریا ؛

همانگونه که میهمان به منزل میزبانی می رود که متناسب با شأن و منزلت و کرامت او بوده و دعوت شدۀ میزبان باشد ؛ حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز میهمان قلب کسی می شود که متناسب با شأن و منزلت و کرامت وی بوده و از طرفی قلب ، داعی و واله این میهمانی باشد لذا تا ما تشنه نشویم و آب درخواست نکنیم کسی به ما آب معرفت و ولایت را نمی دهد .

شب قدر ، محشری است که در آن انسانها ظرف وجودی خود را با مظلوف معصوم (علیه السلام) می سنجند و قلب خود را در میزان معصوم (علیه السلام) ، به بوته آزمایش می سپرند تا از ثقل و سخافت آن آگاهی یابند و ببینند که آیا ظرف وجودی آنان با مظلوف معصوم (علیه السلام) تناسب و سنخیت دادر یا نه ؟

۳- امام صادق(علیه السلام) : « اِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةٌ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا » (بخارج ۴۳ص ۶۵) «همانا فاطمه، فاطمه نامیده شده است برای

آنکه مردم از شناخت عمیق ایشان عاجزند» همان گونه که عظمت شب قدر مجهول و ناشناخته است ؛ عظمت حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز ناشناخته است. و همانگونه که شناخت عمیق قرآن صامت، که هفت بطن دارد برای مردم آشکار نیست معرفت حقیقی قرآن ناطق هم که زهرای مرضیه (سلام الله علیها) باشد بطور اولی برای مردم آشکار نخواهد بود. وقتی قرآن می فرماید شما شب قدر ظاهری را نمی توانید درک کنید پس مسلماً ادراک باطن و حقیقت شب قدر که حضرت زهرا (سلام الله علیها) باشد به طور اولی غیر ممکن خواهد بود.

۴- سنّت الهی این است که اگر قدر نعمتی را ندانستیم آن نعمت از ما گرفته می شود همینطور است در مورد نعمت لیلۀ القدر ظاهری و لیلۀ القدر باطنی (قرآن صامت و قرآن ناطق) اما از آنجا که ما قدر قرآن صامت را ندانسته و آن را مهجور نمودیم و به آهنگ آن بسنده نمودیم فهم و فرهنگ قرآن از ما گرفته شد ؛ و از آنجا که قدر قرآن ناطق حضرت زهرا (سلام الله علیها) و اهل بیت (علیه السلام) را ندانستیم این نعمت عظمی از ما گرفته شد و در غیبت کبری ماندیم

عمری است که از حضور او جا ماندیم
او منتظر است تا که ما برگردیم
در غربت سرد خویش تنها ماندیم
مائیم که در غیبت کبری ماندیم

۵- همان گونه که شب قدر مخفی است قبر بی بی دو عالم نیز مخفی است

۶- همان گونه که شب قدر مخفی است ، قدر و منزلت زهرای مرضیه (سلام الله علیها) نیز مخفی است

نکات:

- ۱- همانگونه که اگر کسی ليله القدر را درک کند برای او افضل از عبادت هزار ماه است اگر کسی نیز به زهرا (سلام الله علیها) آن گونه که حق اوست معرفت پیدا کند از عبادت هزار ماه برای او افضل است.
- ۲- همانگونه که ليله القدر از ۱۰۰۰ ماه افضل است تسبیحات حضرت زهرا (سلام الله علیها) از هزار رکعت نماز مستحبی افضل است . حضرت امام محمد باقر علیه السلام در باره تسبیح حضرت زهرا (سلام الله علیها) می فرماید: خداوند متعال به چیزی برتر از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام عبادت نشده است، همانا اگر چیزی با فضیلت تر و برتر از آن وجود داشت، رسول خدا آن را به دخترش تعلیم می نمود زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۵۹ امام صادق علیه السلام فرماید: ما به کودکانمان همان طور به ذکر تسبیح فاطمه زهرا (سلام الله علیها) امر می کنیم که به نماز امر می کنیم. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۹۹۱ امام صادق علیه السلام می فرماید: تسبیح فاطمه الزهراء (سلام الله علیها) فی کل یوم دبر کل صلاة أحب إلی من ألف رکعة فی کل یوم. تسبیح فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در هر روز بعد از هر نماز واجبی در نزد من محبوبتر است از هزار رکعت نماز مستحبی در هر روز. فروع کافی کتاب الصلاة ص ۳۴۲ ح ۱۵
- پیامبر (ص): این تسبیحات از دنیا و آنچه در دنیاست بهتر است. بحار ج ۸۲ ص ۳۳۶
- ۳- ارزش شب قدر ، در واقع به خاطر فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است لذا ارزش وجودی ما هم به میزانی است که ظرف وجودی ما پر شود از محبت و معرفت فاطمه (سلام الله علیها)
- ۴- تا به حال هیچ ریاضی دانی در دنیا پیدا نشده است که بگوید عدد ۱ از ۳۰۰۰۰ بیشتر است اما تنها ریاضی دانی که می گوید ۱ از ۳۰۰۰۰ بیشتر است ذات اقدس اله می باشد چرا که هر ماه ۳۰ روز است و خداوند متعال می فرماید شب قدر از ۱۰۰۰ ماه (۳۰۰۰۰) روز افضل است آنچه از این نوع محاسبات و ریاضیات متافیزیکی می فهمیم این هست که آنچه اهمیّت دارد کیفیّت است نه کمیّت ؛ زندگی کردن یک شب با عزّت بهتر است از زیستن ۳۰۰۰۰ شب با ذلّت ؛ یک شب زندگی انسانی بهتر است از ۳۰۰۰۰ شب زندگی حیوانی ؛ یک شب زندگی بر روی پاهای شرافت دارد بر ۳۰۰۰۰ شب زیستن بر روی زانوها ؛ مرگ سرخ شرافت دارد بر زندگی سیاه ؛ یک شب با ولایت فاطمه (سلام الله علیها) بودن بهتر است از ۳۰۰۰۰ شب با ولایت غیر فاطمه (سلام الله علیها) زیستن ؛
- ۵- چرا شب قدر بر سایر شبها افضل است ؟ چون شب قدر ، شب ولایت است ؛ ولایت قرآن صامت و قرآن ناطق ؛ شبی است که مقرر می شود ثقل اصغر و اکبر بر ما ولایت داشته باشند . شبی است که با اجرای نمادین مراسم احیاء به ما می فهمانند قرآن و اهل بیت (علیه السلام) ، رهبری است که باید در رأس زندگی باشد نه در کف زندگی ؛ ثقلین ، باید حاکم زندگانی ما باشد نه محکوم زندگانی ما ؛ قرآن باید در متن باشد نه در حاشیه (از قرآنی بودن علوم حوزوی و دانشگاهی گرفته تا معیشت و اقتصاد و هنر و فرهنگ و سیاستهای کلان ما) ؛ قرآن برای زندگان است نه مردگان ؛ زندگانی ما باید قرآنی باشد نه غریزی و احساساتی و حتی صرفاً عقلانی ؛ زندگانی ما باید مصداقُ اللّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) باشد نه آنکه در نماز به علی اقتدا کنیم و در غذا به معاویه ؛ ما باید زندگی خودمان را با قرآن تطبیق دهیم نه اینکه قرآن خودش را با زندگانی ما تطبیق دهد ؛ قرآن را بر سر می گذاریم تا اعلام کنیم ما در راه قرآن سر می دهیم همه هستی و نیستی مان را می دهیم تا چه رسد به مادیات و مالیات ، اعتبار و آبرو ، عمر و جوانی ، علم و هنر و...

۶- همانگونه که یک شب بهتر است از ۳۰ هزار ر شب در نتیجه یک انسان با خاصیت افضل است از ۳۰ هزار انسان بی خاصیت؛ لذا این آیه می فرماید کیفیت مقدم است بر کمیت؛ یک کماندوی ورزیده بهتر است از یک لشکر بی حال و ناامید؛ نکته مهمی که از این آیه برداشت می شود این است که ما باید به دنبال نخبه پروری باشیم، بزرگانی که با تاسی به حضرت زهرا (سلام الله علیها) بتوانند جامعه را رهبری نمایند.

۷- اگر می خواهیم بدانیم نمره ما در نزد خداوند متعال چند است باید ببینیم که کردار، پندار و گفتار ما تا چه حد شبیه به کردار، پندار و گفتار حضرت زهرا (سلام الله علیها) است؟

اگر می خواهیم بدانیم که چقدر از شب قدر بهره برده ایم باید بدانیم که چقدر از محضر زهرای مرضیه (سلام الله علیها) بهره برده ایم. اگر می خواهیم بدانیم که چقدر از شب قدر بهره برده ایم باید بدانیم که چقدر از عقلانیت، معنویت، عدالت، کرامت و عبودیت ما نزدیک به عقلانیت، معنویت، عدالت، کرامت و عبودیت حضرت زهرای مرضیه (سلام الله علیها) است؟

۸- خداوند نسبت به تمام مخلوقاتش، رحمان و نسبت به مؤمنان، رحیم است اما در شب قدر خداوند با عموم مردم رحیمانه برخورد می کند نه رحمانیه؛ زهرا (سلام الله علیها) نیز مصداق صفت رحیمیت خدا و متجلی صفت جمال الهی است و شفاعت او فوق همه شفاعت ها است چرا که او شفیع کبری است.

۹- همانگونه که در لیلی قدر خداوند گناهان را می آمرزد با معرفت و حب زهرا (سلام الله علیها) خداوند گناهان را نیز می آمرزد. پیامبر (ص) می فرماید: همانا دخترم، فاطمه نامیده شد برای اینکه او و محبین او از آتش جهنم بریده شده اند.

۱۰- همانگونه که شب قدر، لیلۀ مبارکه (پربرکت) است «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» (۳) فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نیز کوثر (خیر کثیر) است «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» (۳) فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نیز کوثر (خیر کثیر) است.

۱۱- همانگونه که عبادت در شب قدر منشاء فیوضات الهی است توسل به زهرا (سلام الله علیها) منشاء فیوضات الهی است.

۱۲- همانگونه که شب قدر (مثل شب امتحان کنکور و شب خواستگاری که مهمترین سرنوشت انسان رقم می خورد) شب تقدیر و تدبیر سالانه و جدا سازی حق از باطل است ولایت حضرت زهرا (سلام الله علیها) که حقیقت شب قدر است نیز میزان جدا سازی حق از باطل است «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ» (۳) «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (۴) دخان چرا که بنابه نظر اکثر فقهاء صحت عبادات و اعمال، منوط و مشروط به پذیرش ولایت چهارده معصوم (علیه السلام) است و عمل بدون ولایت، محکوم به بطلان می باشد. اعمال بدون ولایت، مانند مدرک و نامه بدون مهر و امضاء است، همانطور که اسکناس بدون نخ، قلبی است کعبه بدون ولایت چیزی جز چندسنگ نمی باشد؛ و همانطور که جسد بدون روح یک تکه گوشت بی ارزش بیشتر نیست؛ شب قدر بدون ولایت زهرا (سلام الله علیها) نیز کالبد بدون روح است.

۱۳- با درک ظاهر شب قدر انسان به مقام عبادی می رسد اما با درک حقیقت شب قدر (زهرای مرضیه (سلام الله علیها)) انسان به مقام عبودیت و عرفان می رسد.

مقام عبادی کجا و مقام عبودیت کجا؟

۱۴- شب قدر نماد و المانی است از عبودیت و معرفت و حضرت زهرای مرضیه (سلام الله علیها) نیز، نماد و المانی تام و تمام است از مظهر عبودیت و معرفت

۱۵- در شب قدر کتاب ریاضی و فیزیک و کتب مکاتب غربی و شرقی را بر سر نمی گذاریم بلکه کتاب قرآن را بر سر می گذاریم تا بفهمیم و بفهمانیم که قرآن باید در رأس زندگی ما باشد کتب درسی و سیستم آموزشی و حکومتداری ما باید بر طبق متن قرآنی تنظیم شود نه متد غربی و شرقی؛ والا اگر قرآن را بر سرمان بگذاریم ولی در سرمان نباشد و در مقام عمل آیات آن را پاره پاره نموده و لگدمال نمائیم دروغی عملی را فریاد زده ایم؛

از طرفی در شب قدر نام فلان دانشمند غربی و شرقی را زمزمه لبانمان نمی کنیم بلکه نام فاطمه و فاطمیون را منقوش لبانمان می نماییم تا بفهمیم و بفهمانیم در شب قدر، پیروی از این دو ثقل است که سرنوشت و خوشبختی ما را رقم می زند نه پیروی از شرق و غرب و ...

۱۶- همانگونه که لیلۀ القدر mp3 ۳۰۰۰۰ شب (حدود ۸۳ سال) و بلکه بیشتر است حضرت زهرا (سلام الله علیها)، نیز mp3 عصاره تمام

ارزشهای انسانی و اسلامی و تمام اسرار و علوم الهی است.

امام خمینی (ره): همه جلوه ها و تجلیات الهی و همه جلوه ها و تجلیات ملکوتی و جبروتی و همه جلوه ها و تجلیات ملکی و ناسوتی و همچنین تمام هویت های کمالی در وجود حضرت زهرا (سلام الله علیها)، یکجا جمع شده است و بنابر این آن حضرت، یک انسان روحانی (الحوراء الانسیه) است و به عبارت دیگر، تمام حقیقت انسان و تمام نسخه انسانیت است. صحیفه امام ج ۷ ص ۳۳۷

حسین بن عبد الوهاب در کتاب عیون المعجزات روایت نموده است: عمّار بن یاسر به سلمان گفت:

من شاهد بودم که روزی علی بن ابی طالب (علیه السلام) بر فاطمه (سلام الله علیها) داخل شد، هنگامی که چشمان فاطمه بر او افتاد، گفت: نزدیک بیا تا به تو بگویم که در جهان هستی چه بوده، چه هست، و تا روز قیامت چه خواهد شد. زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (روحانی)، ص: ۵۳

۱۷- همانگونه که لیلۀ القدر از هزار ماه افضل است حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز از تمام اجنه، ملائکه مقربین، زنان و مردان عالم به غیر از رسول

اکرم (ص) و علی (علیه السلام) افضل است؛ همانگونه که شب قدر بی نظیر ترین شب سال است انسیه حوراء نیز بی نظیرترین زن عالم است چرا که امام صادق (علیه السلام) در جواب این سوال که چرا فاطمه، فاطمه نامیده شد فرمود: «لا نهّا فطمت و بتلت عن النّظیر» چون فاطمه نظیری نداشت (بحار ج ۴۳ ص ۱۶) فضیلت زهرا (سلام الله علیها) بر سایر انبیاء و اولیاء همچون فضیلت شب قدر است بر سایر شبها؛

۱۸- **لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ** یعنی یک شب با قرآن بودن شرافت دارد بر هزار ماه بدون قرآن بودن یعنی یک شب زندگی قرآنی شرافت دارد

بر هزار ماه زندگی غیر قرآنی،

حال با قرآن بودن یعنی چه؟

یعنی یک شب در نور بودن افضل است بر هزار ماه در ظلمات بودن،

یعنی یک شب با عزت زندگی کردن افضل است از یک عمر با ذلت زندگی کردن،

یعنی یک شب با معرفت بودن بهتر است از هزاران شب بی معرفت بودن،

یعنی یک شب عادل بودن شرافت دارد بر ۳۰/۰۰۰ شب ظالم بودن،

یعنی یک شب با معنویت افضل است از ۳۰/۰۰۰ شب بدون معنویت،

یعنی یک شب عبد الله بودن بهتر است از هزاران شب عبد شیطان بودن،

یعنی یک شب انسان بودن بهتر است از هزار ماه حیوان بودن

۱۹- **لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ** یعنی یک شب با ولایت بودن شرافت دارد بر هزاران شب بی ولایت زیستن

۲۰- **لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ** یعنی مواظب باشیم کیفیت را فدای کمیت نکنیم.

۲۱- **لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ** یعنی انقلاب در نگرشها، انقلاب در معانی نور و ظلمات، انقلاب در طرازها و معیارها؛ ما معمولاً شب را تاریک

و ظلمانی و ترسناک می دانیم در حالی که قرآن شب قدر را از هزاران روز آفتابی نورانی تر می داند چرا که معیار تاریکی و روشنائی ظاهری نیست بلکه معیار بیداری و غفلت دل است دلی که از معارف قرآنی غافل است از هزاران شب تاریک تر است فلذا روز هم برای آن فرد شب است و دلی که با معارف قرآنی آشناست از هزاران روز روشن تر است فلذا شب هم برای آن فرد روز است. شبی که باعث بیداری از خواب غفلت شود شب نیست بلکه روز است.

۲۲- **لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ** یعنی شب قدر شب اکسیژن است و تنفس؛ و سایر شبها شب دی اکسید کربن است و خفگی؛ چرا که شب قدر

شب قرآنی است (قرآن ناطق و قرآن صامت) و قرآن اکسیژن خالص است و سایر شبها شب غیر قرآنی و غیر قرآن دی اکسید کربن است؛

پس هر شبی که شب قرآنی بود آن شب قدر است و شب تنفس ولو آنکه شب قدر رسمی نباشد و هر شب قدری که شب غیر قرآنی باشد آن شب ، شب قدر نیست ولو آن شب رسماً شب قدر باشد بلکه آن شب ، شب دی اکسید کربن است .

۲۲- خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ بُوَدُنَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ بَرَى كَيْسَتْ ؟

یعنی شب قدر برای چه کسی از هزار ماه افضل است آیا هر کس که تا به صبح بیدار باشد برای او از هزار ماه افضل است ؟ یا هر کس که تا به صبح عبادت کند برای او از هزار ماه افضل است ؟ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ بُوَدُنَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ بَرَى كَيْسَتْ ؟ اولاً ظرفیتش ، ظرفیت ليله القدری باشد و ثانیاً شب قدر را عمیقاً درک کرده باشد ؛

یعنی ممکن است شب قدر برای یک نفر لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِ لَيْلٍ باشد (از ۱۰ شب افضل باشد) ؛ برای یک نفر دیگر لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ مِائَةِ لَيْلٍ باشد (از ۱۰۰ شب افضل باشد) و برای یک نفر دیگر لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ لَيْلٍ باشد (از ۱۰۰۰ شب افضل باشد) که این بستگی به میزان معرفت و ظرفیت وی دارد چراکه المعروف بقدرالمعرفه ؛

به میزان باز بودن منفذهای خانه ، نور به داخل آن می تابد همچنین به میزان پُرظرفیت بودن قلب ، نور رحمت و معرفت در آن می تابد . آری شب قدر از هزار ماه بهتر است اما برای کسی که سعه وجودی آن را داشته باشد . امواج همه جا پراکنده است اما برای کسی قابل درک است که گیرنده قوی داشته باشد .

در اینجا اشاره ای کوتاه به فضائل ام الفضائل می نمایم.

الف:افضلیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر ملک و ملکوت:

* حدیث قدسی : ای احمد اگر تونودی افلاک را خلق نمی کردم و اگر علی(علیه السلام) نبود تو را خلق نمی کردم و اگر فاطمه (سلام الله علیها) نبود شما دو تا را خلق نمی کردم (جلوه نور ص ۱۰۵)

* پیامبر(ص):خداوند آسمانها و زمین را از نور فاطمه خلق کرد... و نور فاطمه را از نور خدا خلق کرد و فاطمه (سلام الله علیها) (سلام الله علیها) افضل از آسمانها و زمین است. (بخار ج ۱۵ ص ۱۰)

* پیامبر(ص):اگر زیباییهای عالم به صورت یک شخص نمودار می گشت آن شخص قطعاً فاطمه (سلام الله علیها) بود بلکه فاطمه (سلام الله علیها) عظیم تر از تجلی تمام خوبیهای عالم هستی در وجود یک انسان است.

* پیامبر(ص):بهشت به چهار زن مشتاق است حضرت مریم (سلام الله علیها) حضرت آسیه (سلام الله علیها) حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دخترم (خصائص فاطمیه ص ۳۹۹)

ب:افضلیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر ملکیان

۱- افضلیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر انبیاء:

* امام صادق(علیه السلام):پیغمبران اولوالعزم آقایان سایر پیغمبرانند و آسمانها و زمین به خاطر وجود آنها می گردند و دور می زنند (بخار ج ۱۶ ص ۳۵۷)

اگر پیغمبران اولوالعزم آقایان سایر پیغمبرانند باید دید سروران اولوالعزم کیانند؟

اگر آسمانها و زمین به برکت وجود پیامبران اولوالعزم درگردشند باید دید پیامبران اولوالعزم، خود دورچه کسانی می گردند و حیات و بقاء و مقام آنها به واسطه ی چه کسانی تضمین شده است؟

* امام صادق (علیه السلام):فاطمه (سلام الله علیها) صدیقه کبری است محور حرکت انسانهای گذشته، معرفت و شناخت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بوده است. (بخار ج ۴۳ ص ۱۰۵)

از این حدیث معلوم می شود که تمام انبیاء و مرسلین امت های خودشان را امر به معرفت و ولایت حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها) می نمودند.

در تأیید مطلب فوق نیز امام صادق (علیه السلام) می فرماید: نبوت هیچ پیامبری تکمیل نشد مگر اینکه به فضیلت آن حضرت (حضرت زهرا) (سلام الله علیها) اقرار نموده، محبت او را دارا باشد. (فاطمه بجهت قلب مصطفی ص ۸۶)

و همچنین رسول اکرم (ص) به حضرت زهرا (سلام الله علیها) می فرماید: وقتی اولیاء الله در بهشت مستقر شوند از آدم گرفته تا سایر انبیاء همه به دیدارت می شتابند. (بحار ۴۳ ص ۲۲۷)

* امام باقر (علیه السلام): آن حضرت (حضرت زهرا) (سلام الله علیها) بر تمامی خلق خدا، از جن وانس، پرندگان و وحوش، انبیاء و ملائکه، واجب اطاعه می باشد. (دلایل الامامه ص ۲۸)

۲- افضلیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر آدم (علیه السلام):

* اگر خداوند به آدم (علیه السلام) علم اسماء را تعلیم نمود «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» که بدین وسیله مسجود ملائکه شد حضرت زهرا (سلام الله علیها) ام الاسماء و بلکه حقیقت اسماء بود که مصحف فاطمه (سلام الله علیها) یکی از منابع مهم علمی ائمه هدی (علیه السلام) می باشد. * ملائکه به پیامبری سجده کردند که او بنا به فرمایش امام صادق (علیه السلام) از ۷۳ حرف اسم اعظم الهی فقط ۲۵ حرفش را می دانست اما آن ملائکه در مقابل ام الاسماء که ۷۲ حرف اسم اعظم را می داند چگونه خواهند بود؟ (تفسیر نور ج ۸ ص ۴۲۳)

* توبه حضرت آدم (علیه السلام) بعد از صدسال گریه (و به نقلی بعد از ۲۰۰ سال گریه) با توسل به اسماء آل عبا (علیه السلام) پذیرفته شد. «فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و [خدا] بر او ببخشد آری او [ست که] توبه پذیر مهربان است (بقره ۳۷)

علی (علیه السلام) می فرماید: ما کلماتی هستیم که خداوند آنها را به آدم القاء نمود و به واسطه ی آن کلمات توبه اش پذیرفته شد. (بحار ۲۷ ص ۳۹)

۳- افضلیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر نوح (علیه السلام):

اگر حضرت نوح (علیه السلام) بعد از سالها تبلیغ هلاکت قوم خود را خواست و همه به طوفان بلا مبتلا شدند اما شفیعه العاصه حضرت زهرا (سلام الله علیها) در آخرین لحظات عمرش بعد از آن همه خون دل خوردن، برای امت پدرش طلب مغفرت می نماید و می فرماید: پروردگارا! بزرگا! به حق پیامبران که آنها را برگزیدی و به گریه های حسن و حسین (علیه السلام) در فراق من، از تو می خواهم از گناهان شیعیان من و شیعیان فرزندان من در گذری. (ذخائر العقبی ص ۵۳)

۴- افضلیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر ابراهیم (علیه السلام):

* ابراهیم اولوالعزم ۲۰۰ ساله بعد از موفقیت در امتحانات سخت الهی و طی مقاماتی همچون عبدالله، نبی الله، رسول الله و خلیل الله؛ برای آنکه به مقام امامت برسد خداوند او را بعد از آن همه امتحانات دشوار با ولایت اهل بیت (علیه السلام) آزمایش می کند و بعد از سربلندی از این مرحله نیز او را به مقام امامت می رساند. «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (۱۲۴ بقره)

* امام صادق در جواب مفضل که در مورد این کلمات سوال نمود فرمود: این کلماتی است که خدایه آدم القا کرد تا با آن توبه کند (بحق محمد وعلی و فاطمه والحسن و الحسين (علیه السلام)) پس خداوند توبه اش را قبول کرد. و در جواب اینکه «فَأَتَمَّهُنَّ» چیست؟ فرمود: نه امام هستند از فرزندان حسین (علیه السلام)

* ابراهیم (علیه السلام) مطهر کننده خانه خداست «أَنْ طَهَّرَ أَيْتِي لِلطَّائِفِينَ» (۱۲۵ بقره)

ولی خود خداوند مطهر کننده اهل بیت است «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (۳۳ احزاب)

۵- افضلیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر عیسی (علیه السلام):

حضرت عیسی (علیه السلام) پا در رکاب یوسف زهرا (سلام الله علیها) می باشد و در وقت ظهور آقا به ایشان اقتدا می نماید اما امام زمان (علیه السلام)

(که مقتدای عیسی (علیه السلام) می باشد خود به مادرش زهرا (سلام الله علیها) تمسک می نماید (امام زمان (عج) بی ابنت رسول الله (ص) الی اسوه حسنه - دختر رسول الله (ص) برای من اسوه نیکویی است)

۶- افضلیت زهرا (سلام الله علیها) بر مریم (سلام الله علیها):

* امام صادق (علیه السلام): مریم (سلام الله علیها) سیده زنان زمان خودش بود اما فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سیده نساء العالمین من الاولین و الاخرین است. (بحار ج ۴۳ ص ۳۷)

* پیامبر اسلام (ص) در مورد حضرت زهرا (سلام الله علیها) می فرماید: «ولله هی المریم الکبری» به خدا قسم فاطمه (سلام الله علیها) مریم کبری است. (بحار ج ۲۲ ص ۴۸۴) این که حضرت رسول اکرم (ص) از حضرت فاطمه (سلام الله علیها) با عنوان مریم آن هم مریم کبری یاد می کند بیان گر این است که مریم مقدس در مقابل حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها) مریم صغری می باشد. چرا که در زمان احتضار فاطمه (سلام الله علیها)، مریم (سلام الله علیها) مأمور به پرستاری وی می گردد. (خصائص فاطمیه ص ۳۶۸)

۷- افضلیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر زنان:

در روایت است که همانا آسیه، مریم و خدیجه فردای قیامت تا داخل شدن حضرت زهرا (سلام الله علیها) به بهشت در برابر ایشان، به مانند پرده داران و خدمتگزاران پیاده می آیند فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بر مرکبی از مرکبهای بهشت وارد عرصه محشر می شود در حالی که مریم و خدیجه با هفتاد هزار فرشته در سمت راست ایشان و حوا و آسیه (سلام الله علیها) با هفتاد هزار فرشته در سمت چپ ایشان، به حالت پیاده ایشان را تا بهشت مشایعت و همراهی می نمایند. (خصائص فاطمیه)

۸- افضلیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر ائمه (علیه السلام):

* علامه طباطبایی: یکی از مؤثرترین و بهترین دعاها برای برآورده شدن حاجات این است که حضرت رضا (علیه السلام) را به مادرش زهرا (سلام الله علیها) قسم بدهی. (فضائل فاطمه ص ۲۵۰)

* هیچ گاه دیده نشد که جواد الائمه (علیه السلام) به زیارت قبر رسول الله (ص) بروند و برای عبادت با پای برهنه به خانه ی مادرشان زهرا (سلام الله علیها) نروند. (ریاحین الشریعه ج ۱ ص ۵۸)

۹- افضلیت حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر حسین (علیه السلام):

* پیامبر (ص): ای گروه مردم، هر کس که خورشید بر او ناپدید شد باید به ماه تمسک کند و هر گاه ماه ناپدید شد باید به ستاره زهره متمسک شود و اگر ستاره زهره ناپدید شد باید به دو ستاره فرقدان (دو ستاره درخشانده ای که نزدیک قطب شمالی دیده می شود و در فارسی به آن دو برادر گویند) متمسک گردد سپس رسول اکرم فرمودند: من خورشیدم و علی (علیه السلام) ماه است و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) زهره است و حسن و حسین (علیه السلام) فرقدان هستند. (بحار ج ۱۶ ص ۹)

۱۰- رابطه علی (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها):

* روزی امیر المؤمنین (علیه السلام) از پیامبر اکرم (ص) پرسید: ای رسول الله آیا من در نزد شما محبوب ترم یا فاطمه (سلام الله علیها)؟ پیامبر (ص) فرمود تو در نزد من عزیز تری و او از تو محبوبتر است. (مناقب ج ۳ ص ۳۶۹)

* امام صادق (علیه السلام): اگر خدا علی (علیه السلام) را خلق نمی کرده هیچ کفوی برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) تا روز قیامت بر روی زمین یافت نمی شد از آدم گرفته تا پایین تر از او. (بحار ج ۴۳ ص ۱۰)

۱۱- رابطه حضرت زهرا (سلام الله علیها) با رسول اکرم (ص):

* عایشه: هر زمانی که زهرا (سلام الله علیها) وارد بر پیامبر می شد پیامبر (ص) به احترام او بلند می شد و برای او جا باز می کرد و دستان او را می بوسید و او را در جای خود می نشاندند همچنین هر گاه پیامبر (ص) وارد بر زهرا (سلام الله علیها) می شد زهرا (سلام الله علیها) به احترام او بلند می شد و برای او جا باز می کرد و دستان او را می بوسید. (بحار ج ۳۷ ص ۷۱)

*چه در کودکی زهرا(سلام الله علیها) و چه در بزرگی او، چه این که در روز یکبار وارد می شد برحضرت یا چند بار، حضرت رسول به سوی او می شتافت

- اگر برای آن طاهره ی مطهره مکانت و شرافت و جایگاه خاصی نزد خدا نبود رسول اکرم (ص) هرگز چنین احترام فراوانی به زهرا ی مرضیه(سلام الله علیها) نمی گذاشت. «إِنَّهُ هُوَ الْوَحِيُّ يُوحَىٰ (۴نجم) او جز وحی از چیزی تبعیت نمی کند»
- پیامبر(ص):فاطمه عزیز ترین موجودات هستی نزد من است (بخارج ۴۳ص ۳۹)
- پیامبر(ص):فاطمه روح من و نفس من و قلب من است. (کشف الغمه ج ۱ص ۴۶۶)

ج-افضلیت حضرت زهرا(سلام الله علیها) بر ملکوتیان:

۱- افضل از بهشتیان:

- *-پیامبر(ص):خداوند در پیغمبران بوی بهشتی و در حورالعین بوی گل یاس بهشتی و در ملائکه بوی گل سرخ بهشتی قرار داده است. ودر دخترم زهرا(سلام الله علیها) هر سه بو را جمع نموده است. (ریاحین الشریعه ج ۱)
 - *-پیامبر(ص):اول شخصی (از زنان) که داخل بهشت می شود فاطمه(سلام الله علیها) است. (بخارج ۳۷ص ۷۰)
 - *-پیامبر(ص):در قیامت جایگاه من و علی(علیه السلام) و فاطمه و حسن و حسین(علیه السلام) قبه ای نورانی(حظیرة القدس) است که سقف آن عرش پروردگار رحمان است (بخارج ۴۳ص ۷۶)
 - *علامه امینی:آن جا (جایگاه ویژه پنج تن) پایتخت حضرت خداوند است و جز پنج تن،هیچ یک از انبیاء اولیاء و مرسلین و صالحان و فرشتگان مقرب کسی بدان راه نمی یابد. (فاطمه الزهرا ص ۹۹)
 - *-پیامبر(ص)وقتی که قیامت می شود از جانب عرش ندایی می آید که محشریان سرتان را پایین اندازید و چشمتان را فرو افکنید تا فاطمه دختر محمد(ص) از صراط عبور کند در حالی که ۷۰۰۰۰ حور العین با اوست و مانند برق درخشان عبور می کند (بخارج ۴۳ص ۵۲)
- سوال : علت اینکه موقع عبور حضرت زهرا (سلام الله علیها) از صراط ، به بهشتیان اینگونه خطاب می شود چیست؟
- نکته ۱:** چون در قیامت محرم و نامحرم معنا ندارد این خطاب از باب نامحرم بودن مردان به حضرت زهرا نمی باشد.

نکته ۲: اگر مراد ، نامحرم بودن بود خطاب فقط به مردان می بود در حالی که به همه ی اهل محشر اعم از زنان و مردان خطاب شده است (غضوا ابصارکم)

نکته ۳: حضرت زهرا(سلام الله علیها) در قیامت مانند سایر مردم عریان نمی باشد تا گفته شود که به خاطر حرمت خاص او اینگونه خطاب شده است بلکه خداوند او را با دوجامه ای از نور می پوشاند.

نکته ۴: پس علت این خطاب چیست؟همان گونه که ماتوانایی خیره نگاه کردن به خورشید را نداریم و نگاه خیره باعث کوری چشمان می شود به علت نورانیت فوق العاده ی زهرا ی مرضیه(سلام الله علیها) نیز ما توانایی نگاه کردن به ایشان را نداریم ولذاهیچ پیغمبر و صدیق و شهیدی نمی ماند الا اینکه چشمانش را فرو می افکند. (بخارج ۴۳ص ۵۳)

*از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند چرا فاطمه را زهرا نامیدند؟امام فرموده اند:برای آنکه فاطمه را در بهشت قبه ای است که سقف آن عرش الهی است و از یاقوت سرخ است؛ارتفاع آن قبه در آسمان یک سال راه است (آن هم از سالهای آخرتی نه دنیایی)و معلق است به قدرت خدا یکصد هزار در دارد و بر هر دری هزار ملک ایستاده، اهل بهشت آن قبه را می بینند چنانکه اهل زمین کوکب درّی را درافق آسمان؛ومی گوینداین قبه ی زهرائیة فاطمیه است. (بخارج ۴۳ص ۱۶)

این حدیث یعنی چه؟

یعنی همچنان که کوكب درّی برای اهل زمین درخشندگی خاصی دارد؛ قبه ی زهرائیة نیز برای اهل بهشت درخشندگی مخصوصی دارد و این بیانگر آن است که نسبت فضائل اهل بهشت به فضائل حضرت زهرا (سلام الله علیها) مانند نسبت زمین تا آسمان است یعنی فاصله ی مقام بهشتیان تا مقام حضرت زهرا (سلام الله علیها)؛ فاصله ی زمین تا آسمان است.

۲- افضل از حورالعین:

از امام کاظم (علیه السلام) پرسیدند که چرا بسیاری از نعمتهای بهشتی در سورة انسان (که در وصف ایثار اهل بیت در اطعام سه روزه غذایشان به مسکین و یتیم و اسیر هست) ذکر شده و لی نامی از حورالعین (که غالباً در قرآن در عداد نعمتهای بهشتی آمده) در برابر پادشاه اهل بیت (علیه السلام)، مطلقاً به میان نیامده است؟ امام فرمودند: به خاطر مقام فاطمه زهرا (سلام الله علیها) (مناقب ج ۳ ص ۳۲۸)

۳- افضل از ملائکه:

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ (4) در آن [شب] فرشتگان با روح به فرمان پروردگارشان برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند (4)

*سوال: ملائکه بر چه کسانی نازل می شوند؟

حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید: «فاطمه (سلام الله علیها) بعد از پدرش هفتاد و پنج روز زنده بودند و حزن و شدت بر ایشان غلبه داشت؛ و جبرئیل امین می آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می کرد و مسایلی از آینده نقل می کرد.»

امام خمینی (ره) می فرماید: ظاهر روایت این است که در این هفتاد و پنج روز مرادوای بوده است؛ یعنی رفت و آمد جبرئیل زیاد بوده است مسأله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسأله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می آید و امکان دارد بیاید. تا تناسب بین روح این کسی که جبرئیل می آید پیش او و بین جبرئیل که روح اعظم است نباشد امکان ندارد این معنا؛ در هر صورت، من این شرافت و فضیلت را از همه فضایلی که برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) ذکر کرده اند؛ (با این که آنها هم فضایل بزرگی است) این فضیلت را من بالاتر از همه می دانم که برای طبقه بالای انبیاء (علیه السلام) و بعضی از اولیایی که در رتبه آنها هست، برای کسی دیگر حاصل نشده. (صحیفه امام)

*ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) :

علم جفر نزد ماست و مردم چه می فهمند علم جفر چیست؟ علم جفر، کتابی است از آدم که علم انبیاء و وصیّین و علم علماء بنی اسرائیل در آن موجود است گفتیم این همه ی علم است فرمودند آن علم هست اما نه همه علم و نزد ما مصحف فاطمه است و مردم چه می دانند مصحف فاطمه چیست؟ مصحفی است که در آن مثل قرآن شما ست و به خدا قسم حتی یک حرف از قرآن شما در آن نیست گفتیم به خدا قسم این همه ی علم است فرمود: آن همه ی علم است و هر چه علم هست در مصحف فاطمه می باشد. (الکافی ج ۱ ص ۲۳۹)

*اینگونه مرادوای مکرر جبرئیل (ملک مقرب) و سایر ملائکه بیانگر عصمت کبرای حضرت زهرا (سلام الله علیها) می باشد چرا که قضیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) فوق عصمت است زیرا عصمت این است که بشر به جایی برسد که رضا و غضبش از حد حیوانیت بگذرد و برسد به حد عقلا نیت و از حد عقلا نیت هم بگذرد و برسد به حد الاهییت و در نتیجه رضا بشود رضای الهی و غضب هم بشود غضب الهی اما در مورد حضرت زهرا (سلام الله علیها) مسئله فوق این مسائل می باشد هر جا فاطمه غضب کند خدا غضب می کند و هر جا فاطمه راضی شود خدا راضی می شود پیامبر (ص) می فرماید: «یا فاطمه ان الله لیغضب لغضبک و یرضی لرضاک» (خصائص فاطمیه)

* فخر رازی که به او امام المشککین می گویند بر هر مسأله ای از مبداء تا معاد تشکیک نموده است و اعتراض کرده است غیر از معصوم بودن حضرت زهرا (سلام الله علیها) که در آن مورد هیچ شکی نداشته است و عصمت صدیقه کبری (سلام الله علیها) را قطعی می دانسته است. (۱۰۰۱ نکته از حسن زاده)

* هر ساله ملائکه در شب قدر فرو می آیند اما آن کس که خود حقیقت و باطن شب قدر باشد ملائکه ی الهی دائماً در آستان او تالو می نمایند.

***پیامبر(ص):** خداوند خطاب به اسرافیل و جبرئیل فرمود: به عزت و جلالم سوگند افرادی را خلق کرده ام که از شما بهترند سپس حجابهای قدرت برداشته شد و جبرئیل دید که بر ساق عرش نوشته شد «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی و فاطمه و الحسن و الحسين خیر خلق الله» جبرئیل عرض کرد خدایا، از تو مسئلت دارم که مرا خدمتگزار این انوار مقدسه قرار دهی. خواسته اش پذیرفته شد و او جزء اهل بیت و خادم ما گردید. (فضائل فاطمه ص ۷۶)

*حضرت زهرا(سلام الله علیها) در مورد عطر بسیار خوش بویی که اسماء از مکان تهیه آن سوال نمود فرمود: «هو عنبر یسقط من اجنحة جبرئیل» این عطر، مشکى است که از بال و پر جبرئیل ریخته است. (بحار ج ۴۳ ص ۹۵)

د- رابطه حضرت زهرا(سلام الله علیها) با ملکوت و ملکوتیان

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵) [آن شب] تا دم صبح صلح و سلام است (۵)

*همانگونه که اگر کسی شب قدر را درک نماید ملائکه الهی تا به صبح به او سلام می دهند اگر کسی نیز فاطمه زهرا(سلام الله علیها) را بشناسد و محب او باشد ملائکه الهی نه تنها یک شب و نه تنها در طول عمرش، بلکه تا قیامت مَطاف ملائک می شود و دائما به او سلام و تحیت می فرستند.

* خداوند در شب قدر، با قلب مهدی فاطمه (علیها السلام) به ما «سلام» می دهد و جواب سلام واجب است ولی در کوی عشق، جز سلام دل نمی شنوند و سلام دل زمانی تحقق می یابد که من و شما قلب خود را با قلب مهدی فاطمه (علیها السلام) «سلم» گردانیم و سلام او را پاسخ گوئیم.

***پیامبر(ص) می فرماید:** خداوند نور حضرت زهرا را آفرید مانند قندیلی بر کنار عرش آویخت. و از نور آن آسمانهای هفتگانه و زمینها روشن گردید و به این سبب فاطمه(سلام الله علیها) را «زهرا» نامیدند پس ملائکه تسبیح و تقدیس حق تعالی کردند و حق تعالی فرمود: به عزت جلالم سوگند یادمی کنم که ثواب تسبیح و تقدیس شما را تا روز قیامت از برای محبان این زن و پدر و شوهر و فرزندان او قرار دادم (ارشاد القلوب ص ۴۰۳)

ه- نور حضرت زهرا (سلام الله علیها):

***عایشه:** ما، در شعاع نور صورت فاطمه(سلام الله علیها)، خیاطی، ریسندهی و بافندگی می نمودیم (احقاق الحق مرعشی ج ۱۰)

***امام صادق(علیه السلام):** حضرت زهرا (سلام الله علیها) هر وقت در محراب عبادت می ایستاد نور روی او به اهل آسمانها روشنایی می داد چنان که نور ستاره ها از برای اهل زمین.

***ابن عباس:** بهشتیان در بهشت ناگاه نوری می بینند که باغهای بهشت را نورانی کرده؛ اهل بهشت اظهار می دارند: خدایا! تو در قرآن

فرمودی: «لایرون فیها شمسا» بهشتیان در بهشت خورشیدی نخواهند دید: ندا می رسد این نور آفتاب و ماه نیست، بلکه علی و فاطمه(سلام الله علیها) از چیزی تعجب کرده و خندیدند و از نور آن دو، بهشت روشن گردید (مناقب آل ابی طالب ج ۳ ص ۳۲۹)

*امام صادق(علیه السلام): فاطمه(سلام الله علیها) برای علی(علیه السلام) در اول روز مانند خورشید نورانی و در وسط روز مانند ماه منیر و در آخر روز مانند کوكب درّی(ستاره درخشان) می درخشید (بحار ج ۴۳ ص ۱۵)

حقیقتاً فاطمه کیست؟

آنچه که گفتیم به میزان ظرفیت بسیار محدود فهم خودمان بود از اقیانوس بی کران و بی نهایت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ما علم محدود خود را معرفی کردیم نه شخصیت فاطمه (سلام الله علیها) را حضرت زهرا(سلام الله علیها) کوثری است که فضائل او قابل شمارش نیست چرا که او کلمه الله است و طبق آیه ۲۷ لقمان اگر تمام درختان زمین قلم شوند و تمام دریاها مرکب شوند و بعد از آن هفت دریای دیگر(که هر دریا معادل کل آبهای کره زمین می باشد) جوهر شود کلمات الهی به پایان نمی رسد همانطور که امام کاظم(علیه السلام) فرمود: مصداق کلمات الله ما هستیم که فضائل ما قابل ادراک و شماره نیست. (تفسیر نور ج ۹ آیه ۲۷)

* **کوثری** که از ۷۳ حرف اسم اعظم خداوند ۷۲ حرف آن نزد او و فرزندان معصومینش (علیه السلام) می باشد (یک حرف آن فقط مخصوص خود خداوند است) و آصف بن برخیا که توانست تخت بلقیس را در یک چشم به هم زدن از مملکت سبا نزد سلیمان آورد فقط یک حرف از آن ۷۳ حرف نزد او بود و معصومین (علیه السلام) با این ۷۲ حرف اسم اعظم می توانند به اذن خدا، مرده را زنده و زنده را مرده و زمین را به آسمان و کرات را واژگون کنند. (آسایش آوران ص ۲۹۵)

* **کوثری** که ام العلوم و ام الكتاب و ام الاسماء و ام الفضائل است و صاحب مصحف فاطمیه است به علی (علیه السلام) می فرماید: اگر بخواهم، از علوم اولین و آخرین تو را خبر می دهم.

* **کوثری** (خیر کثیر) که تمام هستی و کهکشانها و مافیها در مقابل آن کوچک و ناچیز و بی ارزش است چرا که خداوند به کل هستی با آن همه عظمت می گوید «قلیل» ((مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ))^(۷۷ نساء) اما به حضرت زهرا (سلام الله علیها) به تنهایی می فرماید کوثر (خیر کثیر)

* **کوثری** که معرفت و شناخت حقیقی او، همان حقیقت آب کوثر بهشتی است که تا بهشتیان از آن نوشند لیاقت حضور در بهشت عدن را پیدا نمی کنند. چرا که بهشت جای بی معرفتانی به زهرا و اولاد زهرا (سلام الله علیها) نمی باشد.

آیه الله مظاهری: حقیقت کوثر، وجود مقدس حضرت زهرا (سلام الله علیها) است که تطهیر و تزکیه اهل بهشت، مرهون آن وجود طاهرة مطهره است. اندیشه های ناب ج

* **کوثری** که به فرموده آیه الله بهاء الدینی، حضرت زهرا (سلام الله علیها) هر امری را امضاء بفرمایند سایر معصومین امضاء می کنند.

* **کوثری** که شفیعه کبری است و هیچ شفاعتی نیست الا اینکه باید به امضای او برسد (مضمون سخن استاد حاج آقا فاطمی نیا)

* **کوثری** که خداوند یک چهارم دنیا و کل بهشت و جهنم را مهر او قرار داد بنابر این دشمنان او داخل جهنم و دوستانش داخل بهشت می شوند.

امام صادق (علیه السلام) الکافی ج ۵ ص ۳۷۸

* **کوثری** که مهریه او درهم و دینار نیست چرا که درهم و دینار بی ارزش است. «متاع الدنيا قليل» بلکه او کوثری است که مهریه او شفاعت گناهکاران امت رسول الله (ص) است و حتی شفاعت او (بنا بر قول آیت الله مصباح) از رسول اکرم (ص) و امیر المومنین (علیه السلام) بیشتر

است چرا که او متجلی صفات جمال الهی است و پیامبر و علی (علیه السلام) متجلی صفات جلال الهی (جامی از زلال کوثر)

* **کوثری** که منفعت خود را به پای معرفتش ذبح می کند؛

در این ظلمتکده پر هیاهو و در این جاهلیت مدرن که معرفت به پای منفعت ذبح شده و درشت نویسی بجای درست نویسی قالب می شود و عکس شهید را می زنند و عکس شهید عمل می کنند و دشمن از هیچی و پوچی قهرمان می سازد (شرک، زور، باری، مرد عنکبوتی و ...) صدیقه کبری (س) بزرگترین قهرمانی است که این معادله را بر هم زده و نگذاشته و نمی گذارند خون شهیدان فرش راه صاحبان زر و زور و تزویر شود و هنوز که هنوز است فریاد عدالت خواهی و ولایت مداری حضرت به گوش می رسد

در سوره ضحی، خداوند وعدهی عطا به پیامبر داده بود: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» پروردگارت در آینده عطائی خواهد کرد که تو راضی شوی. در این سوره می فرماید: ما به آن وعده عمل کردیم. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»

* کوثری که هم مطهره بود هم مطهره؛ هم پاک بود هم پاک کننده؛ هم چشمه بود هم آبشار؛ هم نور بود هم اکسیژن

* کوثری که حیات و مامتش بیدار گر بود و فریادگر

* کوثری که محور خلقت است

* کوثری که محور وحدت است

ستاره ی است در مرکز ملک و ملکوت که میلیاردها کهکشان به دور شمس ولایت او می گردند

عید نوروز و عید ما :

گردیدن یک سیاره به دوره ستاره که عید ما نیست عید سیاره است و جمادات و نباتات ؛ عید ما انسانها گردیدن به دور شمس ولایت امیرالمومنین (ع) و فاطمه زهرا (س) است .

* امام صادق(علیه السلام): پیغمبران اولوالعزم آقایان سایر پیغمبرانند و آسمانها و زمین به خاطر وجود آنها می گردند و دور می زنند (بخارج ۱۶ ص ۳۵۷)

اگر پیغمبران اولوالعزم آقایان سایر پیغمبرانند (سید الانبیاء اند) باید دید سروران اولوالعزم کیانند؟

اگر آسمانها و زمین به برکت وجود پیامبران اولوالعزم در گردشند باید دید پیامبران اولوالعزم، خود دورچه کسانی می گردند و حیات و بقاء و مقام آنها به واسطه ی چه کسانی تضمین شده است؟

* **امام صادق (علیه السلام):** فاطمه (سلام الله علیها) صدیقه کبری است محور حرکت انسانهای گذشته، معرفت و شناخت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بوده است (بخارج ۴۳ ص ۱۰۵)

از این حدیث معلوم می شود که تمام انبیاء و مرسلین امت های خودشان را امر به معرفت و ولایت حضرت صدیقه کبری (سلام الله علیها) می نمودند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید : نبوت هیچ پیامبری تکمیل نشد مگر اینکه به فضیلت آن حضرت (حضرت زهرا (سلام الله علیها)) اقرار نموده، محبت او را دارا باشد. (فاطمه بهجت قلب مصطفی ص ۸۶)

رسول اکرم (ص) به حضرت زهرا (سلام الله علیها) می فرماید: وقتی اولیاء الله در بهشت مستقر شوند از آدم گرفته تا سایر انبیاء همه به دیدارت می شتابند. (بخارج ۴۳ ص ۲۲۷)

* امام باقر (علیه السلام): آن حضرت (حضرت زهرا (سلام الله علیها)) بر تمامی خلق خدا، از جن وانس، پرندگان و وحوش، انبیاء و ملائکه، واجب اطاعه می باشد. (دلایل الامامه ص ۲۸)

* کوثری که نخ تسبیح آفرینش است

* کوثری که حدیث لولا فاطمه لما خلقتکما در شان اوست

* کوثری که عمود خیمه اهل بیت است که اگر نباشد این خیمه بر پا نشده و ملک و ملکوتی هم در کار نخواهد بود

* کوثری که محور حدیث کساء است وقتی جبرئیل از خداوند متعال سوال می کند که اینها چه کسانی هستند خداوند متعال می فرماید : هم اهل بیت النبوه و معدن الرساله هم فاطمه و ابوها و بعلها و بنوها

اللهم صلّ علی فاطمه و ابیها و بعلها و بنیها و سرّ المستودع فیها بعدد ما احاط به علمک

* کوثری که قلب تپنده ملک و ملکوت است

* کوثری که ریشه شجره طیبه ولایت و امامت است

* کوثری که شاخه های آن تفسیر کوثر را به نمایش گذاشته است .

* کوثری است که یکی از شعوبات آن یازده قرآن ناطق است .

* کوثری که هم خود قرآن ناطق است و هم ظرف یازده قرآن ناطق است

* کوثری که حجت خدا بر معصومین است

امام حسن عسگری : «نحن حجج الله على الخلق وجدتنا فاطمه (س) حجه الله علينا» (تفسیر اطیب البیان ج ۱۳ ص ۲۲۵)

* کوثری که معصومین (علیهم السلام) در مشکلات و گرفتاریها به او متوسل می شوند

امام باقر (علیه السلام) : دوستان در مشکلات و گرفتاریها به ما توسل می جویند ما هم به مادرمان زهرا (سلام الله علیها) توسل می جوییم.

* کوثری که مقتدای عیسی (ع) ، عصاره شب قدر یعنی یوسف زهرا حجه بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) الگوی خود را حضرت صدیقه کبری (س) معرفی می کند

« فی ابنت رسول الله لی اسوة حسنه » (دختر رسول الله (صل الله علیه و آله و سلم) برای من اسوة نیکویی است)

* کوثری که علم ائمه طهار (س) از علم او نشات می گیرد

امام صادق (ع) : مقصود از «مشکات» در این آیه شریفه (نور) ، فاطمه زهرا (س) و مراد از دومصباح، حسنین (ع) هستند که هر یک در زججه می باشند؛ «کوکب دری» ، فاطمه (س) است که در بین زنان اهل دنیا و زنان اهل بهشت می درخشد «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ» (روغن چراغ که نور از آن روغن ایجاد می شود)، علم حضرت زهرا (س) است که علم ائمه (ع) از آن نشأت می گیرد؛ و مقصود از «نور علی نور» در وجود حضرت فاطمه (س) امامانی هستند که یکی پس از دیگری می آیند

* کوثری که نور حسن و حسین (علیهما السلام) از نور اوست .

امام کاظم (علیه السلام) : نور امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) از نور فاطمه (سلام الله علیها) خلق شده است. (بحار ج ۳۵ ص ۲۸)

* کوثری که رکن رکین علی (علیه السلام) است

* کوثری که چادر خاکی او در قیامت مظهر (ورحمتی وسعت کل شی) می باشد

* کوثری که ليله القدر است فلذا هر لحظه عمر او خیر من الف شهر است

* کوثری که محور انبیاء و اولیاست

* کوثری که با آنهمه مصائب امت پدرش را نفرین نفرمود اما حضرت نوح (علیه السلام) بعد از سالها تبلیغ هلاکت قوم خود را خواست و همه به طوفان بلا مبتلا شدند اما شفیعه العصاه حضرت زهرا (سلام الله علیها) در آخرین لحظات عمرش بعد از آن همه خون دل خوردن، برای امت پدرش طلب مغفرت می نماید و می فرماید :

پروردگارا! بزرگا! به حق پیامبران که آنها را برگزیدی و به گریه های حسن و حسین (علیه السلام) در فراق من، از تو می خواهم از گناهان شیعیان من و شیعیان فرزندان من در گذری. (ذخائر العقبی ص ۵۳)

کوثری که اول همسایه را دعا می کند سپس اهل خانه را ؛ الجار ثم الدار ؛ آنهم کدام همسایه همان همسایه هایی که تجاوز به حرم و حریم ولایت را دیدند و سکوت کردند

کوثری که بجای آنکه مرگ دشمنانش را از خدا بخواهد مرگ خودش را از خدا می خواهد اللهم عجل وفاتی سریعا

کوثری که نحوه شهادتش، نحوه وصیتنامه اش مبنی بر غسل و کفن و دفن شبانه بیدارکننده است و فریاد ولایت خواهی را به گوش همگان می رساند یا علی غسّلتی بالیل، کفّتی بالیل، دفّتی بالیل و لا تعن بی احدا

کوثری که همه زندگی اش ایثار است ولی زندگی ما استیثار است او خودش را برای ما فدا می کند و ما دیگران را برای خودمان

کوثری که رسالتش را در هر عصر و مصری و در هر پست و مقامی به نحو احسن انجام می دهد در کسوت فرزندگی برای پدرش (ام ابیها) در کسوت همسری برای شوهرش (یا ابالحسن روحی لروحک الفداء و نفسی لنفسک الوقاء ان کنت فی خیر کنت معک و کنت فی شر کنت معک) در کسوت مادری برای فرزندان در کسوت همسایه (الجار ثم الدار) در کسوت یک سرباز ولایت (اولین شهیده ولایت) ، در کسوت یک مربی و معلم و مفسر قرآن، در کسوت یک پرستار در جبهه های جنگ

همان کوثری که فریاد می زند خیر لנساء ان لایرین الرجال و لا یراهن الرجال همان کوثر است که از پشت پرده مسجد النبی بر سر صاحبان زر و زور و تزویر فریاد می زند و از حیثیت ولایت دفاع می کند

*این همه از فضائل بی کران صدیقه کبری (سلام الله علیها) گفتیم و گفتیم تا بگوییم یک همچو شخصی با این همه فضائل و مقامات که ملک و ملکوت در مقابل او کرنش می کند، مورد بی مهری و جفای مردم و کینه توزی صاحبان زر و زور و تزویر قرار گرفت و مردم با سکوت و ترس و بزدلی خود لنگر ملک و ملکوت را واژگون نمودند

*ای محبّین حضرت زهرا (سلام الله علیها) بنگرید که چه مصائبی بر سر حضرت آوردند که در مدت ۹۵ روز چنان گریه هایی نمود که با گریه ۱۰۰ ساله (۲۰۰ ساله) آدم و گریه ۴۰ ساله ی یعقوب و گریه ۱۰۰ ساله یوسف (علیه السلام) و گریه ۲۰ ساله امام سجاد (علیه السلام) (برابری می کند که حتی مصائب او سنگین تر از مصائب بکائون عالم می باشد).

*امام صادق (علیه السلام): هیچ روزی همچون روز محنت و اندوه ما در کربلا نیست هر چند روز سقیفه و سوزاندن در خانه ی امیرالمؤمنین و حسنین (علیه السلام) و فاطمه و زینب (سلام الله علیها) و ام کلثوم و فضه و کشتن محسن با ضرب لگد، بزرگ تر و وحشتناک تر و تلخ تر است زیرا، آن روز اصل و ریشه ی روز عذاب است (فاطمه الزهرا سلام الله علیها) بهجت قلب المصطفی ص ۶۹۸

* او همه چیز خود را در راه ولایت فدا کرد و نه دیگر فکر فرزندانش بود که بی مادر می شوند و نه فکر محسنش که سقط می شود و نه فکر علی (علیه السلام) که در فراق فاطمه (سلام الله علیها) سر در چاه می کند و با چاه درد دل می کند و نه فکر خودش که پهلویش شکسته، قدش خمیده، بازرویش کبود و ورم کرده، چادرش خاکی، صورتش سیلی خورده، گوشه هایش دریده و گوشواره هایش شکسته می شود و نه فکر خانه اش که به آتش کشیده می شود. چرا؟ زیرا که ارزش دارد تمامی اینها را که یک تار مویش قیاس نمی شود به افلاک و افلاکیان در راه ولایت و مکتبش فدا کند. تا اسلام رشد کند و من و توی مسلمان شناسنامه ای بعد از ۱۴۰۰ سال از خواب غفلت بیدار شویم و به ندای فاطمه (سلام الله علیها) لبیک گوییم.

* حقیقتاً این همه فضائل بی کران صدیقه کبری (سلام الله علیها) بخاطر چیست؟ برای اینکه فاطمه (سلام الله علیها) دختر پیامبر است؛ همسر علی (علیه السلام) است؛ کوثر امامت و ولایت است؛ اولین شهیده امامت و ولایت است؛ مهبط جبرئیل است؛ رمز خلقت هستی است؛ سیده نساء العالمین است؛ لیلۃ القدر است؛ مشکوه نورالله است؛ مرج البحرین است؛ کلمه الله است؛ نه، اینها همه فاطمه است و این همه، فاطمه نیست؛ فاطمه، فاطمه است.

برادر و خواهر گرامی! زهرای مرضیه (سلام الله علیها) در راه حمایت از ولایت و دفاع از ارزشهای دینی همه چیز خود را در طبق اخلاص نهاد و برای آنکه اسلام ناب را بدست من و شما برساند سیلی خورد، تازیانه خورد، پهلویش شکست، محسنش شهید شد... او سوخت تا ما را بسازد ما چقدر حاضریم که بسوزیم تا دیگران را بسازیم؟ حقیقاً چقدر حاضریم برای ارزشها یی که حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای آنها سوخت فداکاری نماییم؟ به امید ظهور منتقم آل محمد (عج الله تعالی فرجه الشریف) والسلام^۱

قرارگاه جهادی طلاب عدالتخواه:

edalatkhahi-tollab.blog.ir

@tollabeedalatkhah

منابع:

۱- قرآن ۲- تفسیر نور ۳- هزار و یک نکته علامه حسن زاده آملی ۴- جامی از زلال کوثر آیت الله مصباح ۵- فرهنگ سخنان حضرت زهرا (سلام الله علیها) محمد دشتی ۶- ۳۶۰ داستان از فاطمه زهرا (سلام الله علیها) عباس عزیزی ۷- نکته ها از گفته ها استاد فاطمی نیاج ۱ و ۳ و ۸ - در آستانه مصیبت عظمی آیت الله وحید خراسانی ۹- قصص الفاطمیه میر خلف زاده. ۱۱- خصائص فاطمیه ۱۲- فاطمه (سلام الله علیها) الگوی همه ۱۳- بحار الانوار ۱۴- شبی با آفتاب ۱۵- اعجاز و شگفتی های علمی قرآن دکتر اصفهانی ۱۶- پرسش ها و پاسخ ها جوادی آملی

^۱ - ارتباط با قرارگاه : ۰۹۱۰۸۰۵۱۱۸۲